



درس پنجم

چوپان درست کار

کلمات هم معنی

زیاد: خیلی، بسیار.....

ناچار: به اجبار

نصیحت: پند

چرا: علف خوردن حیوانات

حرف: سخن.....

وانگهی: ناگهان

نجات: رهایی

سیل: باران شدید

فکر: اندیشه.....

مزد: پاداش.....

درست: صحیح.....

ناگهان: یک دفعه.....

گردد: شود.....

کلمات مخالف

..... شروع ≠ پایان

..... شدید ≠ خفیف

..... درست ≠ نادرست

..... دریا ≠ خشکی

..... راست گو ≠ دروغ گو

..... هیچ کار ≠ همه کار

..... بالا ≠ پایین

..... راست ≠ چپ

..... روز ≠ شب

..... بود ≠ نبود

۲ درستى و نادرستى  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستى، درست آن‌ها را بنویس.

الف: صاحب گوسفندان مرد درست‌کاری نبود. 

ب: چوپان برای نجات جان گوسفندان از درخت پایین آمد.  ~~جان خود از درخت بالا رفت~~

پ: صاحب گوسفندها به نصیحت‌های چوپان گوش کرد.  نکرد

ت: سیل همه‌ی گوسفندها را با خود برد. 

۲ در جاهای خالی کلمه‌ی مناسب بنویس.

الف: چوپان مرد **درست کار** و راست‌گویی بود.

ب: باران **شدیدی** شروع به باریدن کرد.

پ: چوپان هر روز شیر **گوسفندها** را می‌دوشید.

ت: مرد با شنیدن حرف‌های چوپان در فکر **فرو رفت**.